

# سیر تحول نظم فضایی شهرهای منطقه آذربایجان

محمد حسن یزدانی<sup>۱</sup>

## چکیده

نظم فضایی پدیده‌ای تاریخی است که در نتیجه عوامل متعددی از جمله محیط طبیعی، اقتصادی، سیاسی و عوامل متعدد دیگر به وجود می‌آید. نظم فضایی تا اوایل قرن بیستم در مطالعات جغرافیایی کمتر مطالعه شده بود یا اگر مطالعه‌ای صورت گرفته بود بیشتر به صورت توصیفی بود. از اوایل قرن بیستم مطالعه نظم فضایی براساس روش‌شناختی کمی، نظر جغرافیدانان را به سوی خود جلب کرد. از این دوره به بعد نظریه‌ها و الگوهای مختلفی برای تبیین نظم فضایی به وجود آمد. از اهم بحث‌های نظم فضایی، مطالعه سلسله مراتب شهری و شبکه شهری می‌باشد که مطالعات متنوعی در این زمینه انجام گرفته است.

در این مقاله با استفاده از روش‌های کمی و کیفی قانون رتبه - اندازه زیپف، شبکه شهری، سلسله مراتب شهری و طبقه‌بندی شهرها، نظم فضایی شهرهای منطقه آذربایجان (استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل) در پنج دوره سرشماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نظم فضایی شهرهای منطقه آذربایجان از الگوی رتبه - اندازه تبعیت نمی‌کند و الگوی سلسله مراتب شهری به صورت نخست شهری است و همچنین در این سلسله مراتب شهری نقش شهرهای متوسط اندام خیلی ضعیف است و این ضعف به همراه مادر شهر تبریز (نخست شهر منطقه) نظم فضایی منطقه را به هم زده است. علاوه بر این مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نظم فضایی منطقه به خاطر سیاست‌های دولتی و تکامل نظم فضایی به سوی معتدل شدن گرایش دارد.

## واژگان کلیدی

سلسله مراتب شهری، قانون رتبه - اندازه، شبکه شهری، نظم فضایی شهرهای منطقه

آذربایجان

## مقدمه

کشور ایران در نیم قرن اخیر با رشد شهرنشینی و افزایش تعداد شهرها و جمعیت شهری مواجه شده است. این رشد ناشی از دو عامل رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت روستاییان می‌باشد. اصلاحات ارضی از یک طرف و وابستگی اقتصاد ایران به صادرات نفت از طرف دیگر مهاجرت روستاییان و مردم شهرهای کوچک را به شهرهای بزرگ تشدید کرده است. عوامل مذکور علاوه بر افزایش جمعیت شهری نظم فضایی کشور را نیز دچار تحول کرده است. به طوری که از جمعیت ۲۵ میلیونی کشور، ۳۹ درصد در سال ۱۳۴۵ شهرنشین بودند که در سال ۱۳۷۵ جمعیت کل کشور به ۶۰ میلیون و درصد شهرنشینی به ۶۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین تعداد شهرها از ۲۷۲ شهر در سال ۱۳۴۵ به ۶۱۴ شهر در سال ۱۳۷۵ افزایش می‌یابد.

تحولات شگفت‌آوری که در چند دهه اخیر در رشد جمعیت، شهرگرایی و شهرنشینی در نتیجه تحولات بین‌المللی اقتصادی و تکنولوژیکی، تحولات ملی اقتصادی و سیاسی و تحولات همه جانبه در کشورهای همسایه خارجی منطقه آذربایجان به وجود آمده، نظم فضایی منطقه آذربایجان را دچار تحولات اساسی کرده است. به طوری که در سال ۱۳۳۵ در این منطقه ۲۷ شهر وجود داشت و ۲۴/۹ درصد کل جمعیت منطقه (۷۱۲۶۴۴ نفر) شهرنشین بودند و تنها یک شهر بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت داشت و بقیه شهرها کمتر از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند. در حالی که در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرها به ۷۵ شهر و درصد شهرنشینی به ۵۵/۶ درصد (۳۸۸۸۰۹۳ نفر) افزایش می‌یابد. همچنین در این دوره یک شهر یک میلیونی و ۶ شهر با جمعیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر در شبکه شهری منطقه ظاهر می‌شود.

رشد فزاینده تعداد و اندازه شهرها، توزیع فضایی سکونتگاه‌های منطقه را نامتعادل کرده است و موجب تحولات اجتماعی - اقتصادی عمیقی در زندگی مردم منطقه شده است. از

آنجایی که شناخت مقدماتی شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرها برای برنامه‌ریزی جهت بهبود وضعیت توزیع فضایی سکونتگاه‌ها و در نتیجه آن بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین ضروری است در این مقاله به‌طور خلاصه نظم فضایی سکونتگاه‌های شهری منطقه آذربایجان را به روش شبکه شهری و سلسله مراتب شهری مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### ۱- شبکه شهری

نظم فضایی شهرها با دو دیدگاه کلی کمی و کیفی و یا الگوها و مدل‌های گوناگونی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این میان مطالعه شبکه شهری و سلسله مراتب شهری که جزو مطالعات نظم فضایی است از اهمیت بسزایی برخوردارند. شبکه شهری به مجموعه‌ای از شهرها اطلاق می‌شود که در ناحیه و یا در محدوده جغرافیایی تقسیمات دولتی چون حلقه زنجیره‌ای به هم پیوسته نشر یافته و به سبب رشد ناهماهنگ، پرتو افشانی متفاوت روی ناحیه دارند (فرید، ص ۳۹۳، ۱۳۷۹). در شبکه شهرها، طبقه‌بندی شهرها مطرح نیست بلکه پراکنش شهرها با توجه به عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و روابط این عوامل با توزیع شهرها که علاوه بر تراکم و جایگزینی، ابعاد و فواصل آنها را نیز مجسم می‌کند، نشان می‌دهد (نظریان، ص ۱۰۵، ۱۳۷۲). هر شهری عمدتاً به دو صورت با سایر سکونتگاه‌ها ارتباط برقرار می‌کند: ۱- ارتباط با ناحیه خود که در این صورت، شهر مرکز مبادله و داد و ستد کالا، فرآورده‌های کشاورزی، تولیدات صنعتی و خدماتی و نشر افکار است؛ ۲- به صورت زنجیره‌ای، میان ناحیه‌ی خود و دنیای بیرون از آن ارتباط برقرار می‌کند؛ بنابراین پویایی هر شبکه شهری به ارتباط داخلی یا خارجی آن وابسته است (شکویی، ص ۱۰۷، ۱۳۷۳).

تحولات اقتصادی و دخالت‌های انسانی باعث پیدایش قطب‌های بزرگ صنعتی و شبکه‌ای از شهرهای بزرگ و کوچک و مگاپولیس‌ها می‌گردد و بدین ترتیب نظام فضایی خاصی را در ناحیه و در سطح ملی و جهانی به وجود می‌آورد. به همین سبب شبکه شهری بر

اصول قطبی شدن فعالیت‌های ناحیه‌ای در مراکز شهری جاری است تا جایی که امر جریان سرمایه و کالاها به وسیله همین مراکز تسهیل می‌گردد و با بهره‌مندی از رشد اقتصادی برتر، بافت منظمی از شبکه شهری به وجود می‌آید (فرید ص ۴۸۴، ۱۳۶۸، نظریان، ص ۱۰۷، ۱۳۷۲).

شبکه‌های شهری پدیده‌ای تاریخی هستند و در طول زمان تشکیل شده‌اند. در زمان ما شبکه‌های شهری از نظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به صورت فعال در زندگی ما تأثیر می‌گذارند. شبکه‌های شهری بزرگ کارکرد جهانی پیدا کرده‌اند. در شبکه شهری علاوه بر شهرها سکونتگاه‌های کوچک نیز به عنوان زیر سیستم‌ها بر هم تأثیر می‌گذارند (شکویی، ص ۱۰۴، ۱۳۷۳).

در نتیجه در یک شبکه شهری، شهرهای بزرگ‌تر با تمرکز اقتصادی و اجتماعی فوقانی جامعه و جذب و تمرکز مازاد بیشتر، درآمد سرانه بالاتری را به خود اختصاص می‌دهند و از این رو قدرت فرماندهی خود را بر شهرها و سکونتگاه‌های کوچک اعمال می‌کنند.

## ۲- سلسله مراتب شهری

سلسله مراتب شهری عبارت از طبقه‌بندی شهرهای شبکه برحسب اهمیت آنهاست (فرید، ص ۳۹۵، ۱۳۷۹). سلسله مراتب شهری را می‌توان به دو روش کمی و کیفی مورد مطالعه قرار داد. هرکدام از این روش‌ها مزایا و معایب خاص خود را دارند. به طوری که به عقیده پیر ژرژ، مطالعه کمی (براساس تعداد جمعیت شهرها) نمی‌تواند سیمای کاملاً روشنی از سلسله مراتب شهری به دست دهد بلکه باید روش کیفی (براساس ماهیت عملکردی شهرها) را به کار برد و شهرها را براساس قدرت فرماندهی، ارائه خدمات و غیره (فعالیت‌های بخش سوم شغلی) طبقه‌بندی کرد (فرید، ص ۴۸۸، ۱۳۶۸، نظریان، ص ۳۵۸، ۱۳۷۴).

## ۱-۲- سلسله مراتب شهری از نظر کیفی

در بررسی سلسله مراتب شهری به روش کیفی، الگوهای گوناگونی ارائه شده است. مورفی از امریکا بر میدان نفوذ شهرها و اسمایلز از انگلستان بر ماهیت و ویژگی‌های تجهیزات شهرها تکیه می‌کنند. بوژوگاریه از فرانسه با استفاده از روش‌های مورفی و اسمایلز، بر ماهیت تجهیزات و وسعت فضایی جاذبه شهری تأکید دارد. پیرژرژ با استفاده از روش کیفی با توجه به ماهیت خدماتی و تجهیزاتی شهرها، پنج طبقه از شهرها را مشخص می‌کند؛ ۱- روستا مرکز که بر رشته حلقه زنجیرهای شهری وارد نشده؛ ۲- شهرهای کوتاه اندام ناحیه‌ای، ابتدایی‌ترین واحد شهری هستند که خدمات محدودی را به روستاهای پیرامون ارائه می‌دهند؛ ۳- شهرهای متوسط اندام که بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارند و مراکز بهداشتی نسبتاً خوبی دارند و بعضی از رشته‌های آموزش عالی در این طبقه وجود دارد؛ ۴- مادر شهرهای ناحیه‌ای که موقعیتی خاص و نقش فردگرایانه دارند و به عنوان «قطب توسعه» سازماندهی کار و اشتغال را در ناحیه زیر نظر دارند و تاریخ گذشته این شهرها از موقعیت استراتژیک اینها که به دفعات پایتخت کشور شده اند، سخن می‌گوید؛ ۵- جهان شهرها که تعدادشان کم است و مقر اصلی بزرگترین بانک‌های جهانی، بیمه‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل و مؤسسات بزرگ بازرگانی در زمینه‌های واردات و صادرات می‌باشند، از جمله این شهرها می‌توان به نیویورک، لندن، توکیو و پاریس اشاره کرد (فرید، صص ۴۸۸-۴۹۳، ۱۳۶۸)

## جدول شماره ۱: سطوح سلسله مراتب شهری در جهان

| اساس پیشنهادی<br>برای قطب‌ها | سطح | جمعیت مرکزی<br>قطب | جمعیت کل منطقه<br>پورلایزه <sup>۱</sup> به نفر | درصد جمعیت کل<br>منطقه نسبت به مرکز | ویژگی های اساسی مراکز  |
|------------------------------|-----|--------------------|--|-------------------------------------|--|
| شهر جهانی                    |     | +۱۰۰۰۰۰۰           | +۱۰۰۰۰۰۰                                       | +۸۰۰                                | لندن، نیویورک، توکیو، پاریس  |
| متروپل های بزرگ<br>پایتخت    |     | +۱۰۰۰۰۰۰           | تا ۵۰۰۰۰۰                                      | تا ۸۰۰ تا ۴۰۰+                      | پایتخت دولتها، متروپل‌های مهم و استثنایی   |
| متروپل ناحیه‌ای              | ۱   | تا ۱۰۰۰۰۰۰         | تا ۱۰۰۰۰۰۰                                     | تا ۴۰۰ تا ۲۰۰+                      | شهرهای دانشگاهی<br>پایتخت و ناحیه و مراکز اقتصادی  |
| شهر ناحیه‌ای                 | ۲   | تا ۵۰۰۰۰           | تا ۲۰۰۰۰۰                                      | تا ۴۰۰ تا ۲۰۰+                      | مرکز ناحیه در سطح<br>خرده نواحی  |
| شهر متوسط ناحیه‌ای           | ۳   | تا ۱۵۰۰۰           | تا ۱۰۰۰۰۰                                      | تا ۴۰۰ تا ۲۰۰+                      | شهرهای خوابگاهی  |
| شهرهای کوچک<br>ناحیه         | ۴   | تا ۵۰۰۰            | تا ۲۰۰۰۰                                       | تا ۴۰۰ تا ۲۰۰+                      | مکانهای مرکزی کوچک<br>برای سرویس‌دهی‌های اولیه و تجارت                                   |
| مرکز محلی<br>روستاهای مرکزی  | ۵   | تا ۲۵۰۰            | تا ۱۰۰۰۰                                       | تا ۴۰۰ تا ۲۰۰+                      | اولیه و تجارت  |
| مرکز محلی<br>روستاهای مرکزی  | ۶   | تا ۱۵۰۰            | تا ۳۰۰۰  | تا ۴۰۰ تا ۲۰۰+                      | مکانهای واسطه قبلاً از<br>شهر برای سرویس دهی<br>و رفت‌وآمدهای روزانه<br>بدون تجهیزات مهم |

در شرایطی فعلی، قطبی شده فعالیت‌های جهانی و تسلط و برتری تعدادی از شهرهای مهم جهان شکلی از سلسله مراتب شهری جهانی ارایه داد که مجموع شهرهای کشورهای پیشرفته و کم رشد را در برمی گیرد و جهت‌گیری توسعه آینده شهرها با تفاوت‌های کوچک در سطح ملی در داخل این سلسله مراتب شکل می‌گیرد و بدین ترتیب از کوچکترین جوامع دورافتاده تا متروپل‌های چند میلیونی نوعی پیوستگی ارگانیکی در سطح

۱- منطقه پورلایزه (منطقه قطبی شده): به محدوده تحت نفوذ یک مادرشهر گفته می‌شود که نقش و کارکرد این محدوده تحت نفوذ زیر سلطه این مادرشهر قرار دارد.

زمین نمایان می‌گردد. جدول شماره یک این سلسله مراتب را نشان می‌دهد (نظریان، ص ۱۱۲، ۱۳۷۲).

## ۲-۲- سلسله مراتب شهری از نظر کمی

راه دیگر بررسی نظام مراتب شهری، روش‌های کمی می‌باشد. در این روش نیز مثل روش کیفی، الگوهای متعددی ارائه شده است. ولی آنچه در همه اینها مشترک است استفاده از داده‌های جمعیتی شهرها می‌باشد.

در الگوی رتبه-اندازه، مهمترین مدل‌ها، الگوی رتبه - اندازه اویر باخ آلمانی می‌باشد که برای اولین بار در سال ۱۹۱۳ ارائه شد. وی ضمن مرتب کردن اندازه سکونتگاه‌های شهری متوجه شد بین اندازه شهرها و رتبه آنها رابطه‌ای معکوس وجود دارد. یعنی اگر سکونتگاه‌ها را به ترتیب اندازه جمعیتی آنها مرتب کنیم، جمعیت شهر  $n$ م برابر  $\frac{1}{n}$  بزرگترین شهر منطقه خواهد بود. بریان بری جغرافی‌دان امریکایی مدل دیگری ارائه داده است. وی ۲۸ کشور را با تنوع ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انتخاب کرد و چون این کشورها دارای شرایط متفاوتی بودند اما نتیجه یکسانی دادند، اهمیت این الگو را دو چندان کرد (عظیمی، ص ۵۹، ۱۳۸۱). جفرسون جغرافیدان امریکایی قانون نخست شهری را در سال ۱۳۳۹ ارائه داد. در مدل نخست شهری در میان سلسله مراتب شهرهای کشور یا ناحیه با تقسیم نمودن جمعیت «نخست شهر» یا شهر اول به جمعیت دومین شهر کشور یا ناحیه ضریب نخست شهری کشور یا ناحیه به دست می‌آید (رک، بهفروز، صص ۱۶-۲۱، ۱۳۷۱).

## ۲-۳- الگوی رتبه - اندازه

در سال ۱۹۱۳ اویر باخ ارتباط اندازه شهرها را با مرتبه آنها مورد بحث قرار داد. در سال ۱۹۲۶ لوتکا این روش را مورد تحلیل قرار داد و در سال ۱۹۳۹ با استفاده از این مدل جفرسون الگوی نخست شهری را مطرح کرد و در نهایت در سال ۱۹۴۹ توسط زیپف به طور کامل فرمول بندی شد (رک، نظریان، صص ۶۴-۳۶۰، ۱۳۷۴). فرمول بدین شرح می باشد

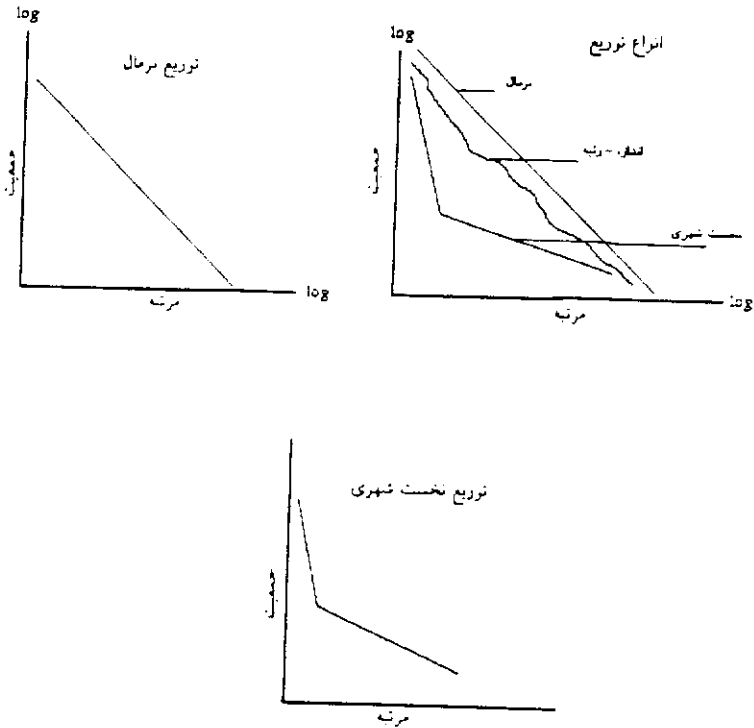
$$p_n = p_1 \frac{1}{n}$$

که در این فرمول  $p_n$  برابر با مرتبه شهر  $n$ ام و  $p_1$  برابر با جمعیت بزرگترین شهر و  $n$  مساوی مرتبه شهر مورد نظر. رابطه ریاضی چنین مفهومی به این صورت :

$$p_r = \frac{p_1}{r^q}$$

که در آن  $p_r$  جمعیت شهر  $r$ ام،  $p_1$  جمعیت شهر نخست،  $r$  رتبه شهر  $r$ ام و  $q$  ضریب ثابت در نظام شهری است. زیپف این رابطه ریاضی را به صورت رابطه لگاریتمی چنین تعریف می کند:  $\log p_r = \log p_1 - q \log r$  که اگر اندازه و رتبه شهرهای نظام شهری را در یک کاغذ لگاریتمی دو محوری ترسیم کنیم، خط راستی با شیب ۱- تشکیل خواهد شد که خط استاندارد توزیع نرمال می شود و انحراف از این خط انحراف از اندازه مطلوب شهری به حساب می آید (عظیمی، ص ۵۵، ۱۳۸۱). در زیر انواع الگوها را در نمودار لگاریتمی نشان می دهیم.

نمودار شماره ۱: انواع توزیع سلسله مراتبی شهرها بر اساس نمودار لگاریتمی



بدین ترتیب حد مطلوب اندازه شهر تمام وجود خود را در یک نظام سلسله مراتبی که در آن اندازه‌های مختلف شهر وجود دارد به دست می‌آورد. سلسله مراتب شهری از نظر کمی بهترین شکل سازماندهی فضا است. زیرا باعث توزیع فعالیت‌ها و خدمات در سطح جامعه، طبقه‌بندی متعادل عملکردها و پیدایش روش‌های مختلف زندگی در محیط‌های گوناگون جغرافیایی می‌گردد (نظریان، جغرافیای شهری ایران، صص ۱۵۷-۱۵۸)

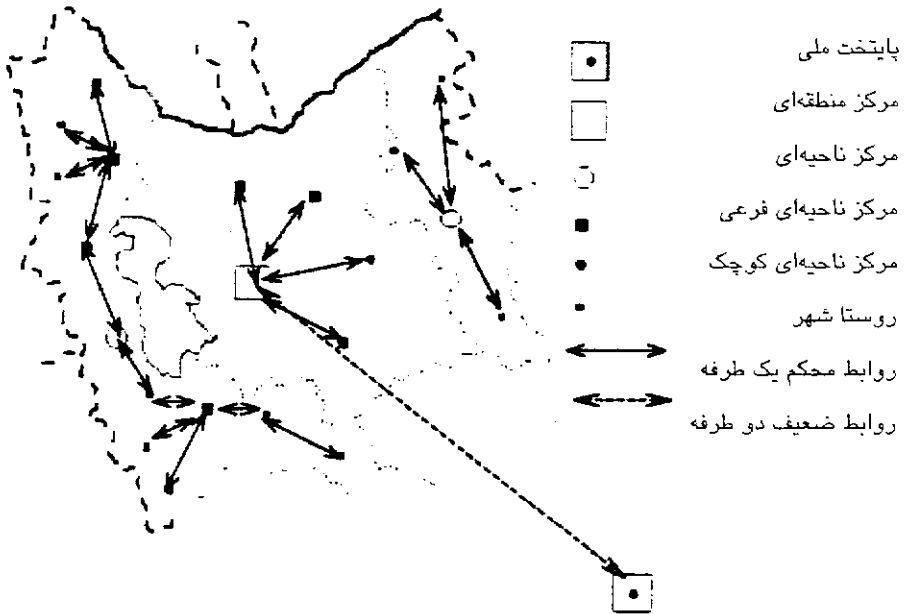
### الف) نظام سکونتگاهی و شبکه شهری منطقه آذربایجان

منطقه آذربایجان براساس تقسیمات طرح کالبد ملی ۳ استان آذربایجانشرقی، آذربایجانغربی و اردبیل را پوشش می‌دهد. این منطقه از نظر موقعیت ریاضی بین دو عرض جغرافیایی ۵۸ دقیقه و ۳۵ درجه شمالی و از نظر طول جغرافیایی در ۳ دقیقه و ۴۴ درجه تا ۵۹ دقیقه و ۴۸ درجه شرقی از نصف‌النهار مبدأ گسترده شده است. به‌طور تقریبی ۱۰۵۹۵۲ کیلومتر مربع مساحت دارد و در شمال غرب کشور جای گرفته است. از سمت شمال با کشورهای آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان و از غرب با کشورهای ترکیه و عراق و از سمت جنوب با استان‌های زنجان و کردستان و از جنوب شرقی به صورت نواری با استان گیلان مرز مشترک دارد. میزان بارش سالانه این منطقه به‌طور متوسط ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیمتر و بیشتر به صورت برف می‌بارد (یزدانی، صص ۸۶-۷۸، ۱۳۸۲).

پیدایش شبکه شهری و چگونگی شکل‌گیری آن در منطقه آذربایجان با شرایط متعدد اقلیمی، اقتصادی - اجتماعی، و جغرافیایی مرتبط بوده است. تا آغاز دوره حکومت پهلوی (دهه ۱۳۰۰) شبکه شهری منطقه از همگونی نسبی برخوردار بوده است. یعنی ارتباط ارگانیک بین شهرهای کوچک و بزرگ هر منطقه از یک سو و شهرها و مراکز روستایی آنها از سوی دیگر برقرار بود. در طول تاریخ منطقه، شهر اصلی تبریز که در بعضی مواقع اردبیل عملکرد این شهر را تحت تأثیر قرار می‌داد و شهر اصلی منطقه می‌شد، کارکردهای منطقه مربوطه را انجام می‌داد و منطقه از طریق تبریز با پایتخت تماس می‌گرفت. خارجی‌هایی که در اواخر دوره قاجار از ایران بازدید کرده‌اند شهرهای مهم آذربایجان را در سال ۱۲۹۲ سه شهر تبریز، خوی و ارومیه با جمعیت به ترتیب ۳۰۰ هزار، ۵۰ هزار و ۱۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند. شهرهای منطقه عملکردهای گوناگون را با هم انجام می‌دادند. مهمترین کارکردهای این شهرها عبارت بودند از: مرکز خدمات یا مبادلات منطقه، مراکز ارتباطات، مراکز حکومتی - نظامی و مراکز

تولید و پیشه‌وری (حسامیان، ص ۱۱۳، ۱۳۶۳). به‌طورکلی اگر بخواهیم شبکه شهری و عملکرد آن را در دوره پیش سرمایه‌داری در این منطقه به صورت نمودار نشان دهیم روابط به این صورت می‌باشد. (نقشه شماره ۱)

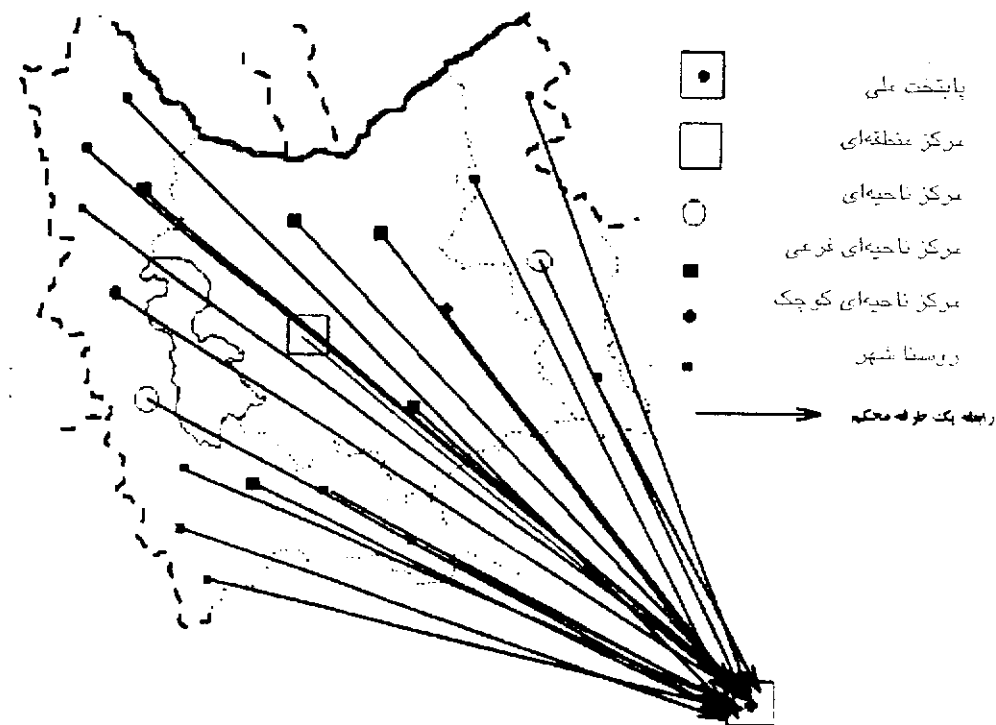
نقشه شماره ۱: شبکه شهری منطقه آذربایجان پیش از سرمایه‌داری



با به حکومت رسیدن رضاشاه در سال ۱۲۹۹ تحولاتی در زندگی اقتصادی - اجتماعی مردم ایران به وجود آمد که به تبع آن منطقه آذربایجان نیز از این تحولات بی‌نصیب نماند. با تجددگرایی و مدرنیزاسیون رضاشاه، عمده شدن صادرات نفت و درآمد آن که پیامد این امر

عدم توجه به مازاد تولید محلی شد، همچنین با اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۰ و از هم پاشیده شدن نظام مدیریتی سنتی، تحولات اساسی در زندگی اقتصادی - اجتماعی و معیشتی - جمعیتی منطقه به وجود آمد. چون منطقه بر اقتصاد پایه معیشتی کشاورزی می‌چرخید و پسکرانه جمعیتی روستایی وسیعی داشت با اصلاحات ارضی این نظام از هم پاشید و تحولات در منطقه به طور چشمگیری نسبت به مناطق دیگر ایران نمایان شد. به طوری که منطقه به صورت اصلی‌ترین منطقه مهاجرفرست کشور نمایان شد و خیلی از روستاها خالی از سکنه شدند. با به وجود آمدن صنایع مونتاژ و شغل‌های اداری جدید این مهاجرت‌ها تشدید شد. شبکه شهری منطقه از همگونی پیشین خود خارج شده و در یک شبکه به صورت زنجیره‌ای قرار گرفت.

نقشه شماره ۲: شبکه شهری منطقه آذربایجان بعد از سال ۱۳۰۰



امور ذکر شده و همچنین توان جمعیتی قوی باعث افزایش تعداد شهرها، همچنین افزایش جمعیت شهرها شد. به طوری که در سرشماری سال ۱۳۳۵ جمعیت شهری منطقه ۲۴/۹ درصد کل جمعیت منطقه بود که در سال ۱۳۷۵ به ۵۵/۶ درصد رسید؛ تعداد شهرها نیز از ۲۷ شهر به ۷۵ شهر افزایش یافت. یعنی در فاصله ۴۰ سال تعداد شهرها بیش از سه برابر شد. همچنین جمعیت شهری از ۷۱۲۶۴۴ نفر به ۳۸۸۸۰۹۳ نفر رسید که این رقم افزایش تقریباً ۵/۵ برابری را نشان می‌دهد. (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: تعداد جمعیت و نسبت آن به کل کشور و جمعیت شهری و روستایی و درصد

شهرنشینی بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵

| سال  | جمعیت منطقه | جمعیت شهری منطقه | جمعیت روستایی منطقه | درصد شهرنشینی |
|------|-------------|------------------|---------------------|---------------|
| ۱۳۳۵ | ۲۸۱۳۴۰۶     | ۷۱۲۶۴۴           | ۲۱۰۰۷۶۲             | ۲۴/۹          |
| ۱۳۴۵ | ۳۶۸۳۶۲۱     | ۱۰۳۳۱۰۴          | ۲۶۵۰۵۱۷             | ۲۸            |
| ۱۳۵۵ | ۴۶۰۵۲۸۹     | ۱۶۳۵۰۰۶          | ۲۹۷۰۲۸۳             | ۳۵/۵          |
| ۱۳۶۵ | ۶۰۸۵۷۶۱     | ۲۹۰۱۸۰۸          | ۳۱۸۳۹۵۳             | ۴۷/۷          |
| ۱۳۷۵ | ۶۹۸۹۸۷۱     | ۳۸۸۸۰۹۳          | ۳۱۰۱۷۷۸             | ۵۵/۶          |

ماخذ: نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن

تغییرات شهرها در طبقات جمعیتی مختلف نیز چشمگیر است. در سال ۱۳۳۵ در کل منطقه فقط یک شهر در طبقه ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفری و ۲ شهر ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری، ۲ شهر ۲۵ تا ۵۰ هزار نفری، ۹ شهر ۱۰ تا ۲۵ هزار نفری، ۱۱ شهر ۵ تا ۱۰ هزار نفری و ۲ شهر زیر ۵ هزار نفر وجود داشت که در سال ۱۳۷۵ این طبقات شهری به ترتیب به ۲ شهر، ۸ شهر، ۱۱ شهر، ۱۵ شهر، ۲۳ شهر و در نهایت ۱۱ شهر می‌رسد. در این دوره همچنین یک شهر بیش از یک میلیون نفری و ۴ شهر ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری در شبکه شهری منطقه ظاهر می‌شوند. (جدول شماره ۳).



شبکه شهری منطقه نیز که از یک توازن نسبی در مقابل سایر مناطق کشور برخوردار بود به تعادل مطلوبتری دست می‌یابد و مجموعه‌ای از شهرهای اقماری در اطراف شهرهای بزرگتر به وجود می‌آید و سلسله مراتب شهری نیز توازن نسبی پیدا می‌کند. (نقشه‌های شماره ۳ و ۴).

چنین دگرگونی عمده علیرغم سهم عمده جمعیت روستایی نمایانگر این است که مازاد جمعیت روستایی و جریان آنها به طرف شهر به دلیل شرایط نامساعد جغرافیایی با وجود محدودیت‌های سرمایه‌گذاری ملی در درون شهرهای منطقه، علاوه بر اینکه سهم عمده‌ای از مهاجرت‌ها را در سطح ملی اشغال می‌کند، در توسعه و گسترش نظام شهری منطقه به خصوص شهرهای بزرگ اثرات مؤثری برجای گذاشته و نقش و کارکرد شهرها را متحول کرده است. تحول در نقش و کارکرد شهرها در سطوح پایین جوامع انسانی منطقه به دلیل شرایط فضایی و دسترسی به جمعیت کافی از رشد کافی برخوردار بوده است. (نظریان، ص ۱۲۲، ۱۳۷۳) در این میان شبکه شهری نواحی مختلف منطقه نیز تفاوت‌هایی را با هم نشان می‌دهند. سوابق طولانی شهرنشینی در آذربایجان شرقی، رشد بیش از حد تبریز به عنوان متروپل منطقه با قطبی شدن خود که به ضرر اکثر شهرهای منطقه عمل کرده است، از دلایل عمده افزایش جمعیت شهرنشین در این استان می‌باشد که در حدود ۶۰/۲ درصد شهرنشین دارد. همچنین استان اردبیل به خاطر پراکنده بودن سکونتگاه‌ها و عدم وجود صنایع بزرگ از شهرنشینی کمتری (حدود ۴۸/۶ درصد) برخوردار است. -

#### ب) ارزیابی نظام سلسله مراتبی شهرهای منطقه آذربایجان

سلسله مراتب شهری از نظر کمی، بهترین شکل سازماندهی فضا است. زیرا در این نوع توزیع منطقی، جمعیت شهری از کوچکترین اجزا و جوامع دورافتاده تا قطب‌ها و مراکز توسعه در ارتباط با همدیگر فعالیت دارند و تنوع اندازه شهرها با سلسله مراتبی از این عملکردها

مطابقت دارد و نقش و عملکرد شهر را در درون منطقه خود در ارتباط با شهرهای دیگر و تأثیر و تأثر شهر را از مجموعه شهرهای منطقه نمایان می‌سازد (نظریان، نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، ص ۷۰، ۱۳۷۰).

بررسی مقدماتی در طبقات جمعیتی شهرها در پنج دوره سرشماری تغییرات زیادی را در تعداد شهرها و جمعیت آنها نشان می‌دهد. در پنج دوره سرشماری تعداد شهرهای منطقه از ۲۷ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۷۵ شهر در سال ۱۳۷۵ رسیده است و جمعیت شهری از ۷۱۲۶۴۴ نفر به ۲۸۸۸۰۹۳ نفر افزایش یافته است. درصد جمعیت شهری به کل جمعیت منطقه از ۲۴/۹ درصد به ۵۵/۶ رسیده است.

در سال ۱۳۳۵ در منطقه ۲۷ شهر وجود داشته که ۷۱۲۶۴۴ نفر یا ۲۴/۹ درصد از جمعیت کل منطقه را در برمی‌گرفته است. در این سال ۴۰/۷ درصد از جمعیت شهری در تبریز، ۱ درصد در شهرهای کمتر از ۵ هزار نفر، ۹/۵۱ درصد در شهرهای ۵ تا ۱۰ هزار نفر، ۲۱ درصد در شهرهای ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر، ۱۰ درصد در شهرهای ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر و در نهایت ۱۸/۷۱ درصد در شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر زندگی می‌کردند. (جدول شماره ۳). نظام شهری منطقه در سال ۱۳۳۵ دارای سه ویژگی زیر بود:

۱. فقط یک شهر در طبقه ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر وجود داشت و آن تبریز بود؛
  ۲. تعداد شهرهای کوچک کمتر از ۲۵ هزار نفر ۲۲ شهر بود که نسبت به کل شهرهای منطقه تفوق چشمگیری نشان می‌داد؛
  ۳. غیر از شهر تبریز هیچ شهری با بیش از ۱۰۰ هزار نفر در منطقه وجود نداشت؛
- در سلسله مراتب شهری منطقه در این دوره شهر تبریز به‌طور کلی خارج از نظام شهری منطقه قرار داشت و به عنوان شهر نخستین تفوق و برتری چشمگیری را نشان می‌دهد. نمودار لگاریتمی شهرهای منطقه نشان‌دهنده این است که در مقایسه با الگوی کلی توزیع

شهرهای جوامع پیشرفته مانند سیستم شهری کل ایران با عدم توازن مواجه است (نمودار شماره ۵ و ۶).

این نمودار به علت کثرت تعداد شهرهای کوچک در قسمت پایین آن و قلت شهرهای بزرگ در رأس آن و مقدار کم شهرهای متوسط در قسمت جانبی آن، رأس بسیار باریک و کشیده به بالا، سطح جانبی گود شده و سطح پایین، پهن مشخص می باشد.

در سال ۱۳۴۵ دومین سرشماری جمعیت صورت پذیرفت که جمعیت کل منطقه ۳۶۸۳۶۲۱ نفر بود. از این تعداد ۱۰۳۳۱۰۴ نفر در نقاط شهری و بقیه در نقاط روستایی زندگی می کردند. بدین ترتیب از کل جمعیت سال ۱۳۴۵ حدود ۲۸ درصد شهرنشین و ۷۲ درصد روستانشین بوده اند (جدول شماره ۳). در این سال ۳۴ نقطه شهری وجود داشته که نسبت به سال ۱۳۳۵ هفت شهر اضافه شده است. در این سال تعداد شهرهای کمتر از ۵ هزار نفر ۳ شهر، ۵ تا ۱۰ هزار نفر ۱۵ شهر، ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر ۹ شهر، ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر ۳ شهر، ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر ۲ شهر، ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر ۱ شهر، ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر ۱ شهر وجود داشت که به ترتیب با جمعیت ۱۱۷۳۷ نفر ۱/۱۴ درصد، ۱۰۳۷۸۱ نفر ۱۰ درصد، ۱۶۱۰۲۴ نفر ۱۵/۵ درصد، ۱۰۴۷۰۵ نفر ۱۰/۰۹ درصد، ۱۳۷۷۰۲ نفر ۱۳/۲۷ درصد، ۱۱۰۷۴۹ نفر ۱۰/۷ درصد و در نهایت با ۴۰۳۴۱۳ نفر ۳۸/۸۸ درصد از کل جمعیت شهری را تشکیل می دادند. (نمودارهای شماره ۲، ۵ و ۶).

در این سال نظام شهری منطقه ویژگی هایی به این شرح داشت:

۱. کاهش سهم جمعیت شهر تبریز نسبت به کل جمعیت شهری منطقه؛
۲. افزایش تعداد و اندازه شهرهای متوسط، در واقع تعداد و اندازه شهرهای بزرگ نسبت به سال ۱۳۳۵ بیش از دو برابر شده است؛

۳. افزایش تعداد شهرهای کوچک و کاهش مجموع جمعیت آنها نسبت به جمعیت شهری سال ۱۳۳۵ کل منطقه؛

۴. یک شهر در طبقه ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر ظهور کرده و شهر تبریز هم در طبقه خودش باقی مانده است.

در نظام سلسله مراتب شهری منطقه تبریز به عنوان نخست شهر منطقه در سال ۱۳۴۵ بیان‌کننده وضعیت خاصی است. به علت کثرت تعداد شهرهای کوچک، سطح پایین هرم تقویت گشته و هنوز رأس آن باریک و قسمت جانبی با توجه به الگوی کلی توزیع شهرها ضعیف است. از سال ۱۳۴۰ دوره جدیدی در برنامه‌ریزی کشور آغاز می‌شود که تا سال ۱۳۵۷ ادامه می‌یابد. در این دوره بر کارکردهای موجود منطقه، کارکرد صنعتی افزوده می‌شود و بعضی شهرها دارای شهرک‌های صنعتی می‌شوند. همچنین شهر جدید در دشت مغان برای بهره‌برداری از منابع طبیعی ایجاد می‌شود و بدین ترتیب به همراه افزایش شهرنشینی گسترش پیچیدگی آن هم حاصل می‌شود.

در سومین سرشماری جمعیت که در سال ۱۳۵۵ انجام شد جمعیت منطقه برابر ۴۶۰۵۲۸۹ نفر بوده که ۱۶۳۵۰۰۶ نفر آن در نقاط شهری و ۲۹۷۰۲۸۳ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کردند و بدین‌ترتیب از کل جمعیت منطقه در سال ۱۳۵۵ حدود ۲۵/۵ درصد شهرنشین و ۶۴/۵ درصد روستائین بوده‌اند (جدول شماره ۲). در این سال با توجه به افزایش درآمد نفتی در کشور، بازتاب اجرای سیاست تئوری قطب رشد در تبریز همچنین بازتاب سیاست اصلاحات ارضی در منطقه که یک منطقه برپایه اقتصاد کشاورزی و روستایی بود نسبت شهرنشینی منطقه از ۲۸ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۵/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ رسید و سیاست‌های رژیم گذشته منجر به افزایش شدید رشد شهرنشینی شد. به طوری که در این

سال ۴۸ شهر وجود داشت (براساس تعریف مصوبه شهر: «به نقطه‌ای که دارای حداقل ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد شهر اطلاق می‌شود») که مجموعاً ۱۶۳۵۰۰۶ نفر جمعیت داشتند. در این دوره برای اولین بار شهر تبریز از طبقه جمعیتی خود خارج شده و به طبقه بالاتر حرکت کرده است. توزیع لگاریتمی شهرهای منطقه در نمودار شماره ۶ نشان داده شده است (نقشه شماره ۳).

در سال ۱۳۵۵، در منطقه آذربایجان ۴۸ شهر وجود داشت که ۱۶۳۵۰۰۶ نفر یا ۳۵/۵ درصد جمعیت منطقه را به خود اختصاص داده بود. در این سال ۳۶/۵۷ درصد این جمعیت در شهر تبریز، ۱۹/۱ درصد در ۲ شهر بزرگ منطقه (با جمعیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)، ۸/۲۹ درصد در ۷ شهر ۲۵ تا ۵۰ هزار نفری، ۱۲/۶۳ درصد در شهرهای ۱۰ هزار تا ۲۵ هزار نفری در ۱۴ شهر، و ۹/۱۵ درصد جمعیت در شهرهای با جمعیت ۵ تا ۱۰ هزار نفری در ۲۲ شهر زندگی می‌کردند. (نمودار شماره ۲) نظام شهری منطقه در این دوره دارای چهار ویژگی به شرح زیر بودند:

۱. برای نخستین بار یک شهر بیش از ۵۰۰ هزار نفری در شبکه شهری منطقه ظاهر شده است؛
۲. کاهش سهم جمعیت شهر تبریز نسبت به کل جمعیت شهری منطقه؛
۳. شهر ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفری در منطقه کاهش یافته، در عوض یک شهر دیگر به طبقه ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری اضافه شده است؛
۴. تعداد شهرهای کوچک افزایش یافته، همچنین درصد جمعیت این شهرها نسبت به کل جمعیت شهری در مقایسه با سال ۱۳۴۵ افزایش یافته است.

در چهارمین دوره سرشماری جمعیت که در سال ۱۳۶۵ انجام شد جمعیت منطقه برابر ۶۰۸۵۷۶۱ نفر بود که ۲۹۰۱۸۰۸ نفر آن در نقاط شهری و ۳۱۸۳۹۵۳ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کردند. از کل جمعیت منطقه در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۷/۷ درصد شهرنشین و ۵۲/۳ درصد روستان‌نشین بودند. در این دوره پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تحولات اقتصادی - اجتماعی در سطح جامعه موجب گردید که روند شهرنشینی همچنان و بلکه بیشتر از قبل نسبت به سایر مناطق کشور به طور فزاینده ادامه یابد. در این دوره با توجه به اینکه منطقه وارث سیاست‌های رژیم پهلوی در جهت تمرکز نیروی انسانی در نقاط بزرگ شهری بود در سال ۱۳۵۵ جمعیت شهر تبریز به ۵۹۷۹۷۶ نفر رسید که حدود ۳۶/۵۷ درصد جمعیت شهری منطقه را در خود جای داده بود و براساس سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت شهر تبریز به ۹۷۱۴۸۲ نفر بالغ گردید که حدود ۳۳/۴۸ درصد از جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص می‌داد (نقشه شماره ۲).

طبق قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۵ تیرماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی حداقل جمعیت شهر ده هزار نفر ذکر شده است که قبلاً در قانون تأسیس شهرداری مصوبه سال ۱۳۳۴ حداقل جمعیت شهر پنج هزار نفر در نظر گرفته شده بود. بدین ترتیب تعریف شهر در قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۶۲ به شرح ذیل بیان شده است:

«شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده است و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص به‌طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و

کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد».

در سال ۱۳۶۵، در منطقه آذربایجان ۶۰ شهر وجود داشت. که ۲۹۰۱۸۰۸ نفر یا ۴۷/۷ درصد جمعیت در آنها ساکن بودند. ۳۳/۴۸ درصد این جمعیت ۹۷۱۴۸۲ در تبریز در طبقه شهری بالای ۵۰۰ هزار نفری، ۲۰/۰۸ درصد در ۲ شهر (ارومیه و اردبیل) در مجموع با ۵۸۲۷۱۹ نفر در طبقه شهری ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفری، ۷/۴۴ درصد در ۲ شهر ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری، ۱۷/۴ درصد در ۸ شهر ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری، ۶/۸۵ درصد در ۶ شهر ۲۵ تا ۵۰ هزار نفری و ۱۴/۷۶ درصد در ۴۱ شهر زیر ۲۵ هزار نفری، زندگی می کردند. به طوری که آمارها نشان می دهد جمعیت دو شهر ارومیه با ۲۰۰۷۴۹ نفر و اردبیل با ۲۸۱۹۷۳ نفر در مجموع باز هم خیلی کمتر از تبریز می باشند. در نمودار شماره ۶ توزیع لگاریتمی کل شهرهای منطقه و در نمودار شماره ۲ طبقات شهری منطقه در سال ۱۳۶۵ مشخص گردیده است.

به طور کلی نظام شهری منطقه در این سال ویژگی هایی به این شرح داشت:

۱. افزایش تعداد و اندازه شهرهای بزرگ و به وجود آمدن متروپل های ناحیه ای در منطقه؛
۲. افزایش تعداد شهرهای کوچک ناشی از تورم جمعیتی شهرها و روستاهای بزرگ که به ردیف شهرها پیوسته اند؛

۳. کاهش درصد سهم جمعیت شهر تبریز نسبت به درصد جمعیت شهری کل منطقه؛

پنجمین دوره سرشماری جمعیت در سال ۱۳۷۵ جهت گیری مثبتی را به طرف شهرهای میانه و متوسط نشان می دهد. در سرشماری سال ۱۳۷۵ کل جمعیت منطقه برابر ۶۹۸۹۸۷۱ نفر بود که ۳۱۰۱۷۷۸ نفر آن در نقاط روستایی و ۳۸۸۸۰۹۳ نفر آن در نقاط شهری زندگی

می‌کردند. از کل جمعیت منطقه ۵۵/۶ درصد شهرنشین و ۴۴/۴ درصد روستائین بودند. در این دوره به‌خاطر اینکه منطقه وارث برنامه‌ریزی‌های مطلوب تمرکز زدایی بود سلسله مراتب شهری به حالت تعادل نزدیک می‌شود. در این دوره نیز مثل گذشته سهم شهر تبریز نسبت به کل جمعیت شهری منطقه باز هم کاهش نشان می‌دهد و به ۳۰/۶۳ درصد کاهش پیدا می‌کند. در سال ۱۳۷۵ جمعاً ۷۵ نقطه شهری وجود داشت که ۳۸۸۸۰۹۳ نفر در آنها زندگی می‌کردند. در این دوره شهر تبریز با جمعیت ۱۱۹۱۰۴۳ نفر برای نخستین بار در شبکه شهری منطقه به عنوان یک شهر در طبقه شهری بیش از ۱ میلیون نفری ظاهر می‌گردد. (نمودار شماره ۲، ۵ و ۶). (نقشه شماره ۴).

در این دوره ۳۰/۶۳ درصد جمعیت شهری منطقه در تبریز، در طبقه بیش از یک میلیون نفری، ۲ شهر مجموعاً با جمعیت ۷۷۵۵۸۶ نفر و با ۲۰ درصد از جمعیت شهری منطقه در طبقه ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفری، ۵۰۹۰۸۱ نفر با ۱۳/۱ درصد در ۴ شهر بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری، ۵۹۶۶۶۵ نفر در حدود ۱۵/۳۵ درصد در ۸ شهر ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری، ۳۷۷۴۶۱ نفر با ۹/۷۱ درصد از جمعیت شهری منطقه در ۱۱ شهر ۲۵ تا ۵۰ هزار نفری و ۴۳۸۲۵۷ نفر جمعیت در حدود ۱۱/۲۷ درصد در ۴۹ شهر زیر ۲۵ هزار نفری زندگی می‌کردند. در نمودار شماره ۶ توزیع لگاریتمی شهرهای منطقه در سال ۱۳۷۵ نشان داده شده است.

به‌طور کلی نظام شهری منطقه در سال ۱۳۷۵ دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر بوده است.

۱. افزایش تعداد و اندازه شهرهای بزرگ و کلان‌شهر منطقه، ناشی از مهاجرت جمعیت از

روستاها و شهرهای کوچک ناحیه؛

۲. ظهور یک کلان شهر بیش از ۱ میلیون نفری در شبکه منطقه برای اولین بار در طول تاریخ شهرنشینی منطقه؛

۳. ثبات نسبی سهم جمعیتی شهرهای متوسط علیرغم افزایش تعداد جمعیت آنها؛

نکته اساسی در نظام شهرنشینی منطقه، توسعه شهرهای متوسط و نسبتاً بزرگ و تراکم جمعیت آنهاست که مشخصه اصلی نظام شهری منطقه محسوب می‌شود. در سال ۱۳۳۵ در ۴ شهر متوسط منطقه ۲۸/۷۱ درصد از جمعیت شهرنشین و در تبریز ۴۰/۷ درصد از جمعیت شهرنشین زندگی می‌کردند. در سال ۱۳۴۵ تعداد شهرهای متوسط به ۵ شهر افزایش یافت که ۲۳/۳۶ درصد جمعیت شهرنشین را در برمی‌گیرد. این ارقام در سال ۱۳۵۵ به ۹ شهر و ۲۲/۵۴ درصد و در سال ۱۳۶۵ به ۱۴ شهر و ۲۴/۲۵ درصد افزایش یافت. در نهایت در سال ۱۳۷۵ به ۱۹ شهر با ۲۵/۰۶ درصد رسید. در همین دوره نسبت جمعیت تبریز از ۴۰/۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۸/۸۸ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۳۴/۵۷ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۳۳/۴۸ درصد در سال ۱۳۶۵ و در نهایت به ۳۰/۶۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت. (جدول شماره ۳؛ نمودارهای شماره ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶)

## نتیجه گیری

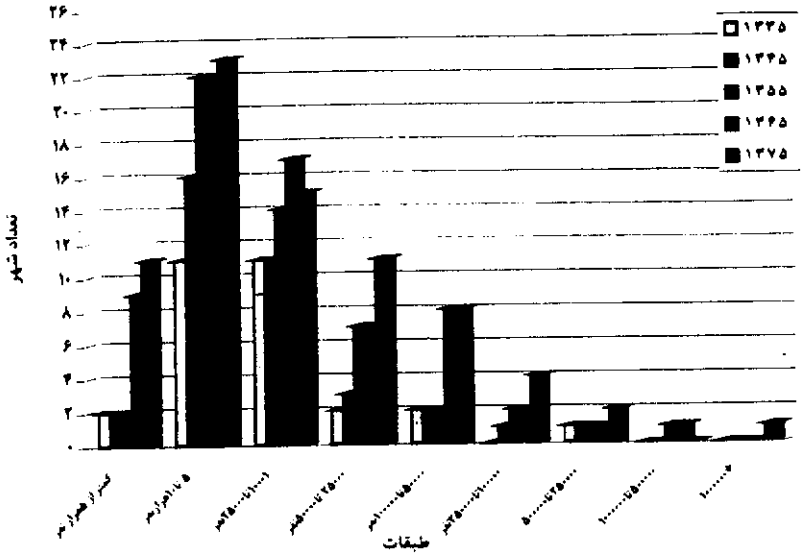
نتیجه اینکه در سلسله مراتب شهرهای منطقه طی چند دهه اخیر تبریز به کلی خارج از نظام سلسله مراتب شهری منطقه قرار گرفته و به عنوان شهر برتر و نخستین، تفوق و برتری خود را که دارای زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌باشد حفظ کرده است و همچنین دو شهر اردبیل و ارومیه، از شهرهای پایین دست و همچنین از بالا دست خود یعنی تبریز بریده‌اند و در نظام سلسله مراتب شهری منطقه گسیختگی به وجود آورده‌اند. استخوان‌بندی شبکه و نظام سلسله مراتب شهرهای منطقه در استان آذربایجان غربی به صورت هرمی و نرمال ظاهر می‌شود. به طوری که در این استان در پنج دوره سرشماری نسبت «نخست شهری» ارومیه در دروه‌های سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ به ترتیب تقریباً ۲، ۲/۵، ۲/۷، ۲/۵ و ۲/۹ بود و شهرهای متوسط اندام در این ناحیه کم نیست. اما در دو ناحیه آذربایجان شرقی و اردبیل به صورت دو سطح که عبارتند از: سطح بالا و عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی متمرکز در شهرهای منطقه‌ای و مراکز سیاسی منطقه‌ای متشکل از اردبیل و تبریز و شبکه شهرهای کوچک و متوسط که از پیوستگی و زیر پوشش درآوردن فضایی تمام پهنه سرزمین منطقه‌ای برخوردار هستند. این شهرها مستقیماً با جامعه روستایی و فضایی کشاورزی در ارتباطند، ولی نقش چندانی در خدمات رسانی توسعه اقتصادی ناحیه ندارند. به طوری که در بحث نخست شهری در استان اردبیل در پنج دوره سرشماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ نسبت نخست شهری به ترتیب ۹/۵، ۹/۳، ۱۰/۵، ۸/۷ و ۵/۶ و در استان آذربایجان شرقی این ارقام به ترتیب ۸، ۸، ۹/۹، ۵/۵ و ۹/۶ بود. همچنین در این نواحی شهرهای متوسط نقش کم رنگی دارند.

نکته قابل ذکر اینکه شهر بزرگ تبریز از لحاظ خدمات تخصصی و تجاری عمده به حداکثر سودآوری رسیده است. مسئله گرانی زمین و مسکن در این شهر و مسئله تمرکز

سرمایه‌های حاصل از آن در مناطق شهری موجب شده که نیروی کار مورد نیاز شهر تبریز امکان اسکان یا خرید مسکن و ساکن شدن در این شهر را از دست بدهند. لذا نه تنها در شهر تبریز بلکه در کلان شهرهای ایران مثل تهران، مشهد، اصفهان و شیراز این مساله صادق است. در مقابل سکونتگاه‌های اقماری و کوچک در فواصل معین و مقبول از شهر تبریز به نام محدوده منطقه شهری که امکان رفت و آمد روزانه در آن میسر باشد، شکل گرفتند. به طوری که در سال ۱۳۶۵ در منطقه شهری تبریز همراه با تبریز ۱۰ سکونتگاه شهری وجود داشت که ۹ شهر بالای ۵ هزار نفر جمعیت داشتند. همچنین رشد شهرهایی همچون آذرشهر، ایلخچی، صوفیان و خواجه با نرخ رشد بالای ۳ درصد در بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ و وجود ۷ شهر بالای ۱۰ هزار نفر در منطقه شهری تبریز در سال ۱۳۷۵ دلیلی بر این مدعاست. در کل، روند رشد جمعیت شهرنشین، در دهه اخیر کاهش یافته است و در این میان شهرهای متوسط از افزایش نسبی جمعیت برخوردار هستند و شهرهای بزرگ نیز به موازات تبریز به رشد خود، همپای با آن ادامه می‌دهند.

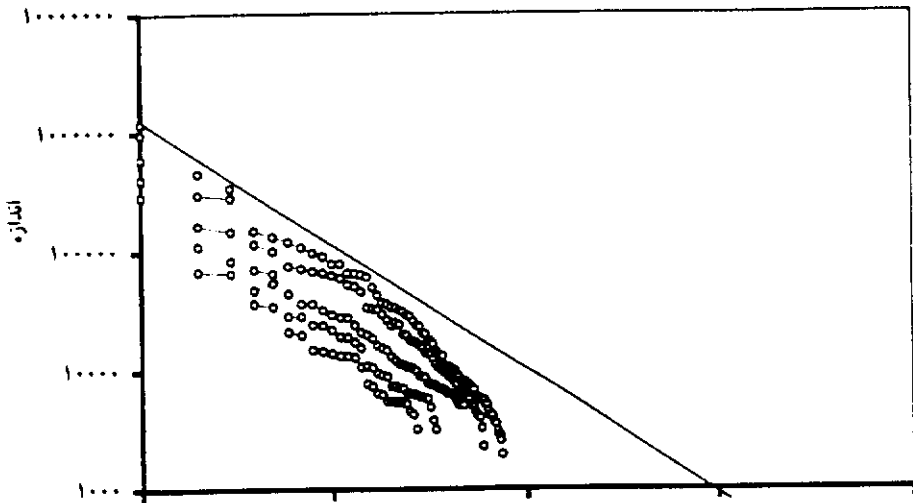
نمودار شماره ۲: تعداد شهرهای منطقه آذربایجان بر حسب طبقات در

پنج دوره سرشماری ۱۳۳۵-۱۳۷۵

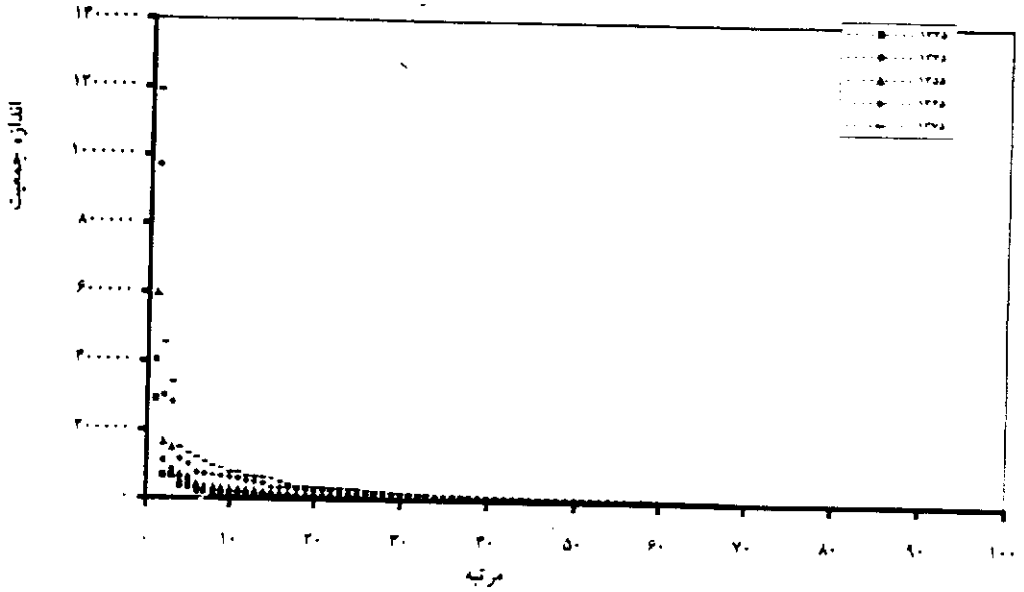


نمودار شماره ۳: نمودار لگاریتمی مقایسه سلسله مراتبی شهرهای منطقه آذربایجان در پنج دوره

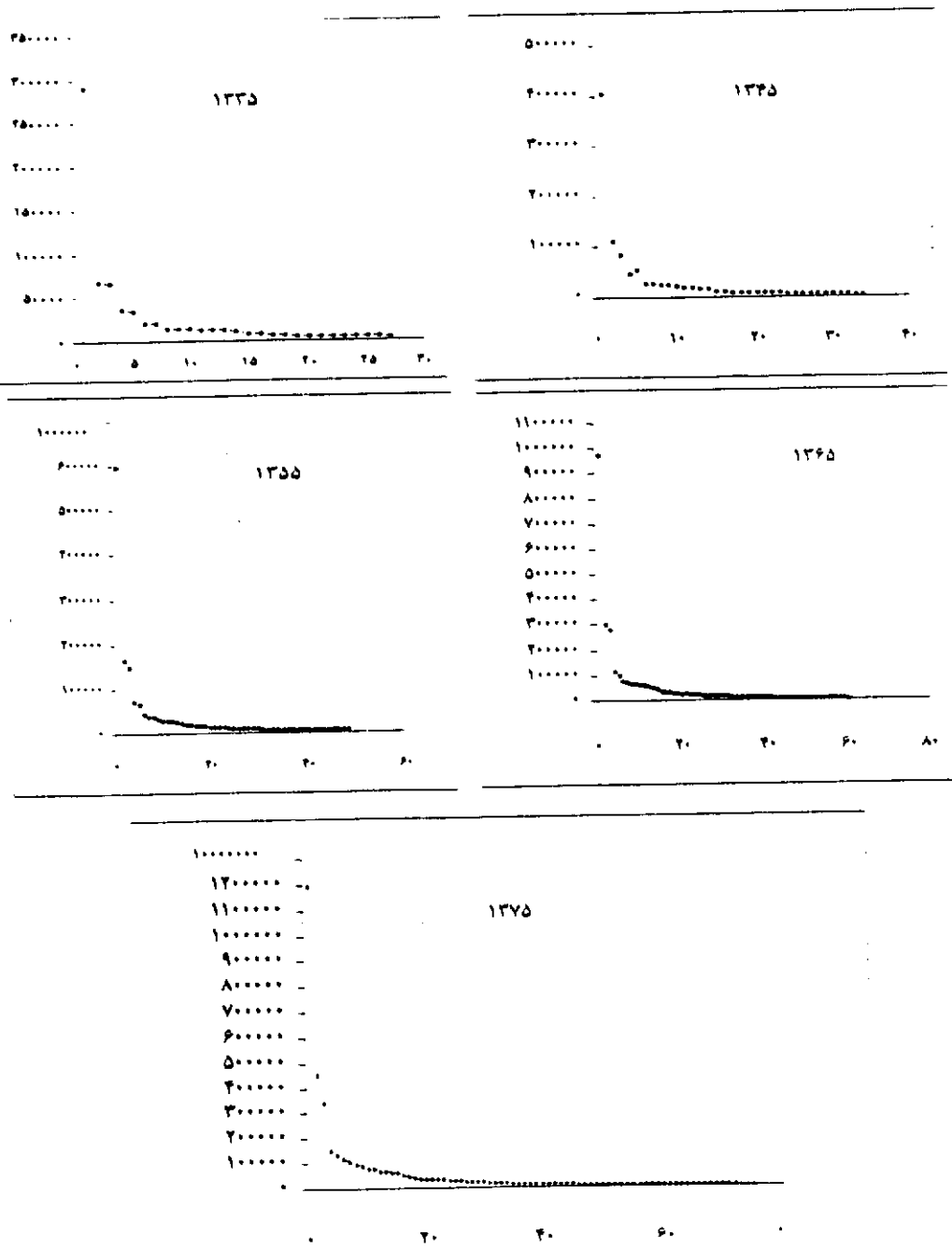
سرشماری از ۱۳۳۵-۱۳۷۵



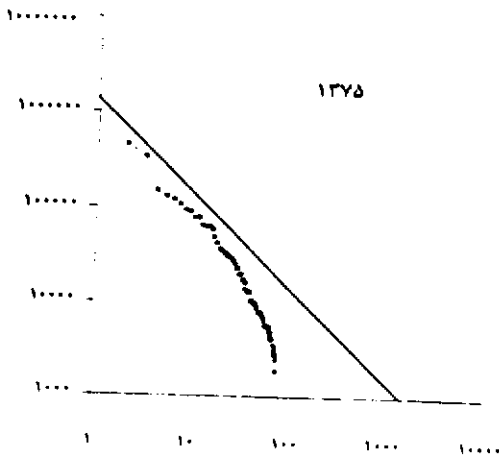
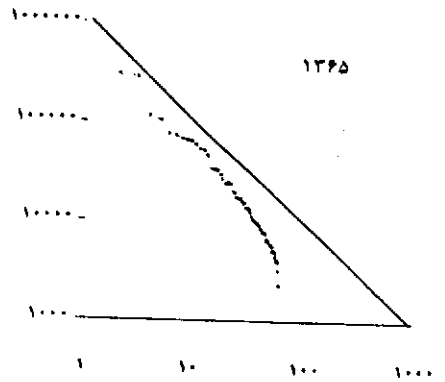
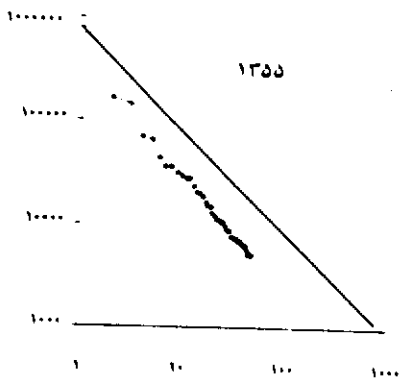
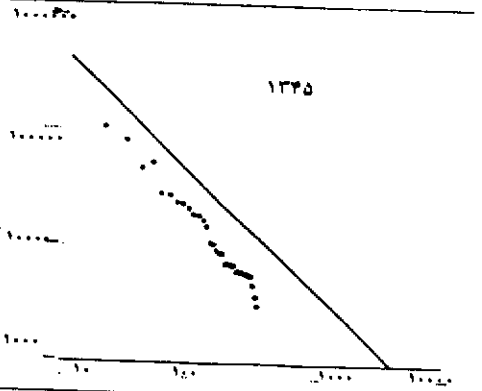
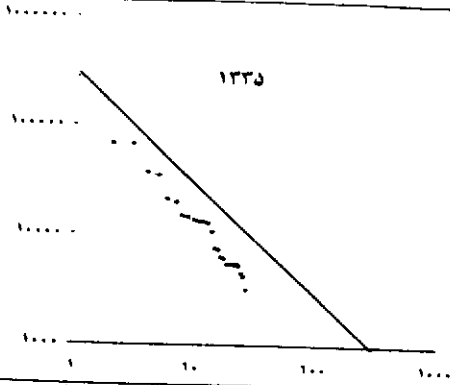
نمودار شماره ۴: نمودار مقایسه‌ای سلسله مراتبی شهرهای منطقه آذربایجان در پنج دوره سرشماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵



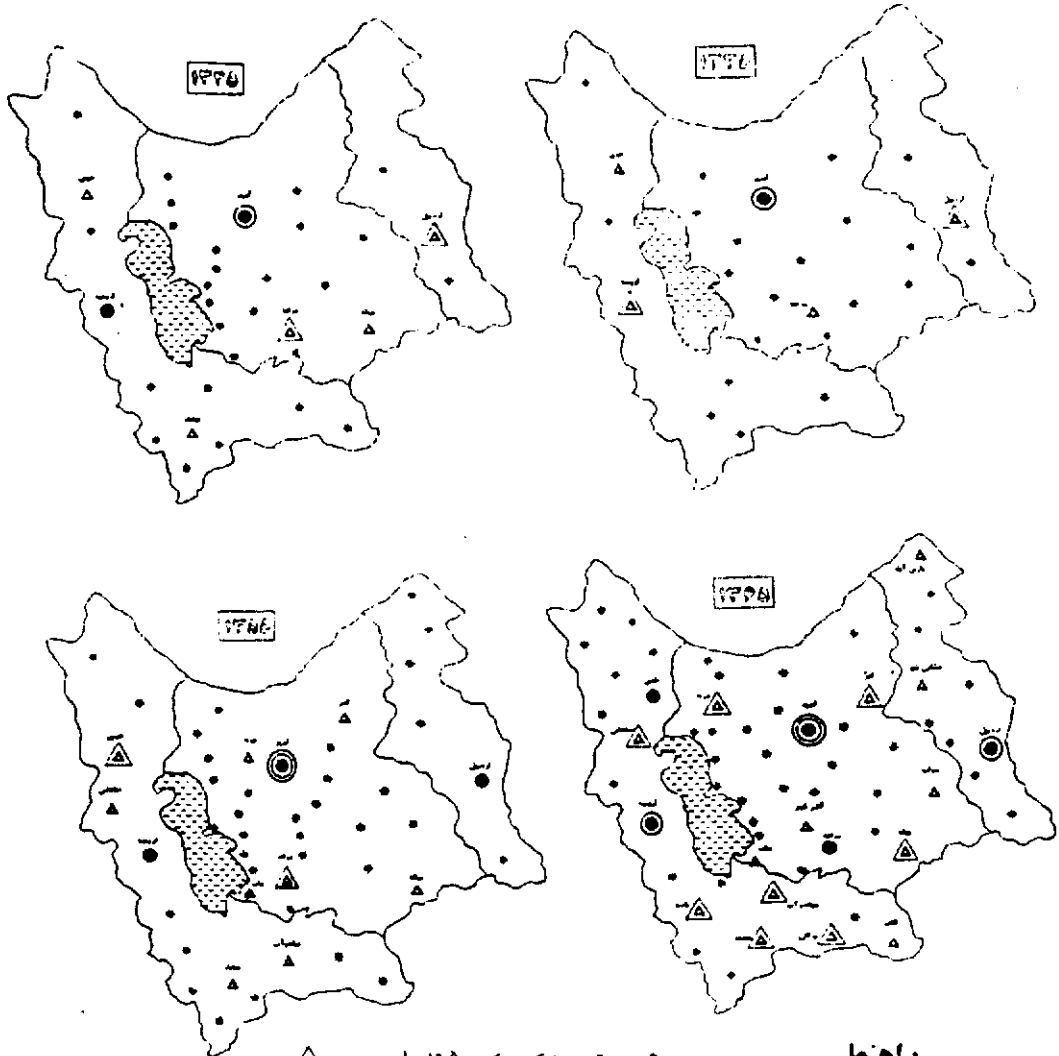
نمودار شماره ۵: نمودارهای سلسله مراتب شهری منطقه آذربایجان در پنج دوره سرشماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵



نمودار شماره ۶: نمودارهای لگاریتمی سلسله مراتب شهری منطقه آذربایجان در پنج دوره سرشماری از ۱۳۲۵ تا ۱۳۷۵



نقشه شماره ۳: تحول سطح بندی مراکز جمعیت شهری در منطقه آذربایجان

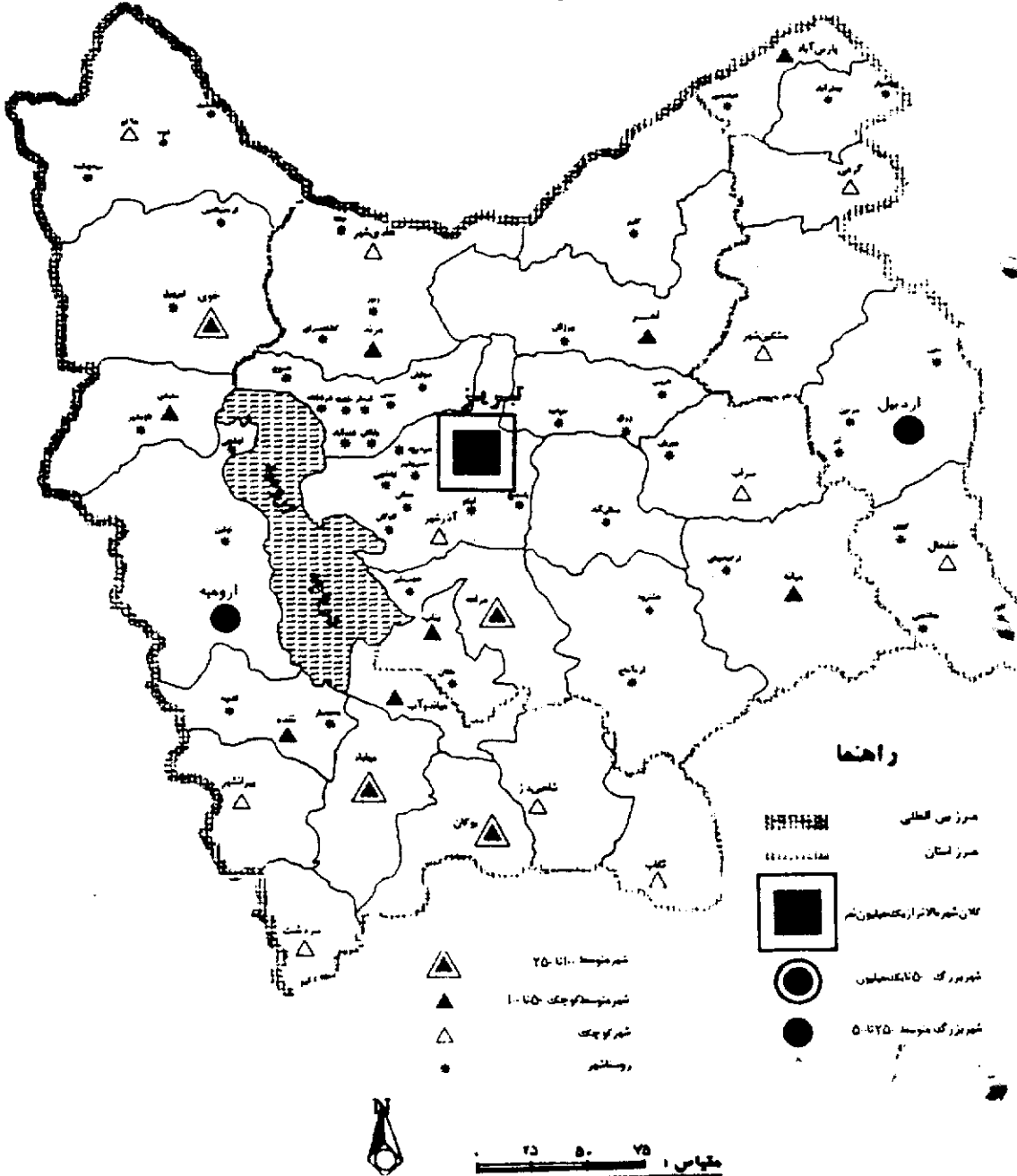


**راهنما**

- ▲ شهر متوسط کوچک ۵ تا ۱۰۰
- △ شهر کوچک ۲۵ تا ۵
- \* روستا شهر کمتر از هزار نفر
- کلان شهر بالاتر از یک میلیون نفر
- ◎ شهر بزرگ ۵۰۰ تا یک میلیون
- شهر بزرگ متوسط ۲۵۰ تا ۵۰۰
- شهر متوسط ۱۰۰ تا ۲۵۰

مقیاس: ۰ ۲۵ ۵۰ ۷۵

نقشه شماره ۴: سطح بندی مراکز جمعیتی در سال ۱۳۷۵



## منابع

۱. بهفروز، فاطمه، تحلیلی نظری - تجربی برای متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۲۴، شماره ۲۸، تهران، ۱۳۷۱.
۲. حسامیان، فرخ، اعتماد، گیتی و حایری، محمدرضا، شهرنشینی در ایران، آگاه تهران، ۱۳۶۳.
۳. شکویی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ اول، سمت، تهران، ۱۳۷۳.
۴. عظیمی، ناصر، پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری، چاپ اول نشر نیکا، مشهد، ۱۳۸۱.
۵. فرید، یداله، جغرافیا و شهرشناسی، چاپ اول، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
۶. فرید، یداله، شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، چاپ اول، دانشگاه آزاد اهر، ۱۳۷۹.
۷. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۷۵، تهران، ۱۳۷۶.
۸. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان غربی سال ۱۳۷۵، تهران، ۱۳۷۶.
۹. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان اردبیل سال ۱۳۷۵، تهران، ۱۳۷۶.
۱۰. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان شرقی، سال ۱۳۶۵، تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان غربی سال ۱۳۷۵، تهران، ۱۳۶۸.
۱۲. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۵۵، تهران، ۱۳۵۸.
۱۳. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان غربی سال ۱۳۵۵، تهران، ۱۳۵۸.

۱۴. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۴۵، تهران، ۱۳۴۶.
۱۵. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان غربی سال ۱۳۴۵، تهران، ۱۳۴۶.
۱۶. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۳۵، تهران، ۱۳۳۸.
۱۷. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل استان آذربایجان غربی سال ۱۳۳۵، تهران، ۱۳۳۸.
۱۸. نظریان، اصغر، شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۲.
۱۹. نظریان، اصغر، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، جلد دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۲۰. نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، چاپ اول، پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.
۲۱. نظریان، اصغر، بررسی تحولات معیشتی - جمعیتی شمال غرب ایران، گزارش پژوهشی (چاپ نشده)، معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۷۳.
۲۲. نظریان، اصغر، نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۹، شماره اول، شماره مسلسل ۴۲، بهار ۱۳۷۳.
۲۳. یزدانی، محمدحسن، بررسی تحولات نقش و کارکرد شهرهای منطقه آذربایجان، به راهنمایی دکتر اصغر نظریان، دانشگاه تربیت معلم تهران (فوق لیسانس)، سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۲.